



مقابله امام کاظم(ع) با معتزله و اهل حدیث/ توصیه امام به شیعیان

امام کاظم(ع) تلاش کردند علاوه بر مقابله با معتزله، با احادیثی که از فرهنگ یهودی در بین مسلمین نفوذ کرده بود و یا احادیثی که بخاطر تحکیم پایه‌های حکومت اموی جعل شده بود، مقابله کنند.

امام کاظم(ع) تلاش کردند علاوه بر مقابله با معتزله، با احادیثی که از فرهنگ یهودی در بین مسلمین نفوذ کرده بود و یا احادیثی که بخاطر تحکیم پایه‌های حکومت اموی جعل شده بود، مقابله کنند.

به گزارش خبرنگار مهر، به مناسبت شهادت جانشین امام کاظم(ع) با دو تن از کارشناسان مذهبی کشور در مورد دوران زندگی امام کاظم(ع) به گفتگو نشستیم. متن زیر مشروح گفتگوی مهر با این کارشناسان دینی است.

حجت الاسلام دانشمند در این گفتگو ابتدا با بیان برداشتی که از نام امام کاظم می شود گفت: کاظم از ریشه کظم است که در قرآن ذیل آیه «و الکاظمین الغیظ» در مورد صفات مومنین توضیح داده شده است. این امر تشبیه به مشک می شود که در حال لبریز شدن است و باید در آن بسته شود تا آب بیرون نریزد. در حقیقت وقتی ما در مشک را می بندیم مصرف آب را مدیریت می کنیم. لذا ما باید یک مدیریتی روی نفس خود داشته باشیم که مثلا خشم و غضب و بقیه نیروهایی که خدا در وجود انسان قرار داده است به جا استفاده کنیم.

مطالبه فدک توسط امام کاظم(ع)

حجت الاسلام مرتضی دانشمند با بیان مناظراتی که امام کاظم با خلفای عباسی انجام داد به مسئله مطالبه فدک توسط امام اشاره کرد که امام کل حدود ممالک اسلامی را به عنوان حدود فدک معرفی کردند؛ این کارشناس دینی در این خصوص گفت: فدکی که به حضرت زهرا(س) از سوی پیامبر بخشیده شد، یک حدود جغرافیایی ثابت دارد که مشخص است و شهید صدر در کتاب «فدک در تاریخ» به آن اشاره کرده است. اما یک حدود نمادین دارد که امام کاظم(ع) در ضمن آن مناظره ای که با خلیفه عباسی می کنند اشاره نمادین به فدک دارند و بحث مشروعیت را مطرح می کنند. امام می خواسته از آن موقعیتی که به دست آمده بر علیه مشروعیت دستگاه خلیفه استفاده کند.

وی افزود: خلیفه عباسی سعی داشت بگوید که اگر فدک را می خواهید ما در اختیار شما می گذاریم و شما دیگر بهانه ای برای مقابله و مبارزه با ما ندارید و ما هیچ اختلافی با هم نداریم. اینجا امام کاظم(ع) به آن حدود نمادین فدک اشاره می کنند. لذا حضرت می خواهند عنوان کنند که اینگونه نیست که نزاع ما و شما بر سر یک مزرعه باشد بلکه بحث ما بر سر حاکمیت است.

هم رنگ جماعت نباشید!

این کارشناس دینی در ادامه با اشاره به حدیثی از امام کاظم به شرح آن پرداخت و گفت: امام کاظم(ع) برای یکی از دوستان خود به نام فضل بن یونس رهنمودی دارند که «أَبْلَغُ خَيْرًا وَ قَلَّ خَيْرًا وَلَا تَكُنْ أُمَّعَةً» یعنی هم خیر را به مردم برسان و هم خیر را بر زبان جاری کن و خیر را ترویج کن. اما هیچ گاه اُمَّعَةً نباش. این کلمه اُمَّعَةً از دو حرف انا و مع تشکیل شده است و به معنای «انا مع الناس» است. اگر بخواهیم ترجمه امروزی از این واژه ارائه کنیم به معنای به رنگ جماعت شدن و هم رنگ جماعت بودن است.

وی ادامه داد: در ادامه روایت آمده است که لا تقل أنا مع الناس، و لا أنا كواحدٍ من الناس، یعنی اینطور نباشد که شما بگویید من یکی از مردم ام و من با مردم هستم.

این کارشناس دینی گفت: امام در ادامه می فرماید پیامبر فرمود: «يا ايها الناس انما هما نجدان نجد خیر و نجد شر فلا یکن نجد الشر احب الیکم من نجد الخیر» دو راه وجود دارد، راه خیر و راه شر. اینگونه نباشد که راه شر پیش شما محبوب تر از راه خیر باشد. این حدیث در تحف العقول صفحه 413 نقل شده است.

حجت الاسلام دانشمند افزود: از نظر علم درایت و لغوی بحث هایی در مورد این حدیث وجود دارد. از نظر لغوی در لسان العرب اُمَّعَةً را به معنای کسی که «لا رای له» ترجمه می کند یعنی کسی که خودش قدرت تصمیم گیری ندارد و پیرو جریان های موجود می شود.

وی افزود: از منظر دیگر می توان گفت شخصیت های مستقل چون فکر و اندیشه و معرفت دارند برای خود صاحب نظر هستند و می توانند خود تصمیم بگیرند. شخصیت های وابسته کسانی هستند که پیرو هستند. اینجا می توانیم بگوییم که امام موسی بن جعفر(ع) می خواهد بفرماید که انسان ها باید بر روی پای خود با بایستند و اینطور نباشد که وابسته به دیگران و جریان های مختلف و اکثریت و... باشند و باید از خود یک شخصیت مستقلی داشته باشند.

وی با طرح این سوال که چرا مردم وابستگی فکری و جناحی پیدا می کنند و از خود هیچ استقلالی در نظر و رای و فکر و گرایش های اجتماعی ندارند چه علتی دارد؟ گفت: امیرالمومنین در سخنی به کمال می فرماید التَّاسُ ثَلَاثَةُ فَعَالِمٍ رَبَّانِيٍّ وَ مُتَعَلِّمٍ عَلِيٍّ سَبِيلَ نَجَاةٍ وَ هَمَجٍ رَعَا أَتْبَاعُ كُلِّ تَائِقٍ يَمِيلُونَ مَعَ كُلِّ رِيحٍ لَمْ يَسْتَضِيئُوا بِثَوْرِ الْعِلْمِ وَ لَمْ يَلْجِئُوا إِلَى رُكْنٍ وَثِيقٍ.

این کارشناس دینی در توضیح این حدیث گفت: مردم سه دسته اند، یکی علمای ربانی هستند و یکی متعلمان و دانشجویان بر راه نجات، لذا انسان یا باید عالم ربانی باشد و خودش اجتهاد کند و اگر اینگونه نبود باید متعلم باشد. گروه سوم هم «همج رعاع» هستند که در فارسی می توان آن را به حزب باد ترجمه کرد که با هر بادی به هر سویی متمایل می شوند.

حجت الاسلام دانشمند در پاسخ به این سوال که علت اینکه این افراد چنین شخصیتی پیدا می کنند چیست؟ گفت: حضرت می فرمایند اینها به نور علم کسب فیض نکردند و از دانش بهره ای نبردند. اگر هم می خواستند به شخصی تکیه کنند به یک ستون محکم و استوار تکیه نکردند به خاطر همین حزب باد شدند و پیرو هر فریادگری هستند. این می تواند تحلیلی باشد بر اینکه چرا برخی از مردم اکثریت گرا و دچار انحراف می شوند.

السلام علی المعذب فی قعر السجون...

این کارشناس دینی در مورد فرازی از زیارتنامه امام کاظم گفت: در زیارتنامه آمده است السلام علی المعذب فی قعر السجون. سلام بر آن آقایی که او را در عمق زندان ها شکنجه دادند. این فراز اشاره دارد به آن شرایط سختی که امام کاظم در آن به سر می برد.

وی ادامه داد: ائمه برای رسیدن به اهداف والای خود تمام تلاش و کوشش خود را می کردند، حتی اگر برای انجام تکلیف و مسئولیت های اجتماعی ناچار می شدند در زندان و تحت شکنجه قرار می گیرند. آنچه که برای ائمه مهم بوده این است که خود موقعیت ها موضوعیت نداشته است که در چه شرایط سخت یا آسانی قرار بگیرند، آنچه مهم است این است که چه شرایط آنها سخت باشد و چه آسان، چگونه می توانند به تکلیف خود عمل کنند.

این کارشناس دینی با اشاره به آزارهایی که امام کاظم(ع) در زندان متحمل شدند، گفت: وقتی که با توطئه خلیفه یک دختر آوازه خوانی را برای آزار امام کاظم(ع) وارد زندان آن حضرت می کنند، ایشان از همین موقعیت استفاده می کنند و او را هدایت می کنند. بطوری که وقتی حالت نیایش امام را می بیند سر بر سجده می گذارد و تحت تاثیر آن حالت آسمانی امام قرار می گیرد و شروع به گریه کردن می کند.

نقش امام کاظم(ع) در گسترش معارف شیعی

دکتر فرزاد جهان بین عضو هیئت علمی دانشگاه شاهد درباره نقش امام موسی کاظم(ع) در گسترش معارف شیعی گفت: در زمان امام کاظم(ع) جریان های فکری مختلفی در جامعه حضور داشتند که از جمله این جریانه می توان به دو جریان، معتزله و اهل حدیث اشاره کرد.

وی ادامه داد: جریان معتزله تاکید افراطی به عقل داشتند و به نحو افراط در توجیه و تحلیل عقلی مسائل دینی اقدام می کردند. در مقابل، اهل حدیث هم با تاکیدی که صرفا بر احادیث داشتند، دچار اعوجاجاتی شدند و نتوانستند مسائل عمده را حل بکنند. در عین حالی که بعضا گرفتار احادیث جعلی هم شدند. لذا مسائل مختلفی در این کشاکش مطرح شد که از جمله اینها مبحث توحید و صفات الهی بود.

وی افزود: امام کاظم در واقع تلاش کردند شاگردانی را تربیت کنند که هم به دفاع عقلانی از دین و عقاید مذهب شیعه بپردازند و هم اینکه در ارتباط با قرآن و جایگاه قرآن و همچنین جایگاه احادیث نبوی و ائمه اطهار(ع) در کنار قرآن برای تفسیر آنچه که در قرآن است یک نگاه کامل و همه بعدی داشته باشند.

این استاد دانشگاه ادامه داد: امام کاظم(ع) در زمینه احادیث تلاش کردند که دامنه احادیث را از احادیثی که از فرهنگ یهودی در بین مسلمین نفوذ کرده بود و یا به خاطر رسوخ دنیاطلبی و تفسیر انحرافی از دین که به تحکیم پایه های حکومت اموی جعل شده بود اینها را کنار بگذارند و همچنین تلاش کردند نوعی معنویت را در دوری از صحنه های واقعی سیاسی و اجتماعی معنی بکنند؛ آنها را هم کنار بگذارند و بتوانند یک نگاه کامل از اسلام و مسائل اسلامی ارائه بکنند.

جهان بین افزود: به عنوان نمونه اهل حدیث به روایتی تمسک می کردند که عنوان آن حدیث نزول خداوند به آسمان دنیا بود. این روایت از ابوهیریه نقل شده بود که خدای متعال هر شب در یک سوم باقیمانده شب به آسمان دنیا فرود می آید.

وی یادآور شد: پذیرش و قبول این روایت مستلزم تشبیه است و اینکه خداوند از مکانی به مکان دیگری جابه جا می شود به عنوان نمونه احمد بن حنبل که از اهل حدیث است این مطلب را تعدیل کرد و مطرح کرد که خداوند عرشی دارد و در عرش خود نشسته و این عرش حدی ندارد. او به حد خودش دانا است و خداوند حرکت می کند و سخن می گوید و نگاه می کند و معتقد بود که آن نشیمن گاه خدا به اندازه چهار انگشت جای خالی وجود دارد که محل نشستن رسول خداست.

جهان بین تصریح کرد: این روایات بر اساس روایات تحریف شده ای بود که به دست مردم رسیده بود. اما امام کاظم(ع) تلاش کردند که اینها را اصلاح کنند. لذا ایشان فرمودند که خدای متعال نه نزول می کند و نه احتیاج به نزول دارد. در نظر او قرب و بُعد یکی است. برای او دوری و نزدیکی معنی ای ندارد و به عبارتی تلاش کردند یک نگاه درست از این مسئله و مسائلی از این دست را ارائه کنند. لذا این نکته بسیار مهمی بود که در بحث تلاش هایی که ایشان در تحکیم مبانی شیعی در بحث های کلامی و اعتقادی انجام دادند، قابل ارائه است.

دلایل زندانی شدن امام کاظم(ع)

این استاد دانشگاه در مورد دلایل زندانی شدن امام موسی کاظم توسط خلیفه عباسی هم گفت: در زمان امام موسی کاظم(ع) مسئله مهمی که وجود دارد سختی های خاصی است که برای شیعیان به وجود آمد. از جمله یکی از دلایل این فشار هم حرکت های اعتراضی متعددی بود که از ناحیه شیعیان و علویان به خلفای عباسی صورت گرفت.

وی ادامه داد: از جمله قیام حسین بن علی که به شهید فخر معروف است در زمان حکومت هادی عباسی، جنبش یحیی، ادريس که فرزندان عبدالله بودند؛ در زمان هارون، به وقوع پیوست. به هر حال همه اینها باعث شده بود که فشار به شیعیان و علویان بیشتر شود. در این شرایط بهترین کاری که می شد کرد، تقیه بوده و امام(ع) در سایه این تقیه برای حفظ و تشکل شیعه تلاش کردند.

این پژوهشگر معارف دینی تصریح کرد: اما این مسئله به معنای این نیست که امام کاظم(ع) از جهت سیاسی اقدامی نکردند بلکه حضرت، هم جریان وکالت را تقویت و تشدید کردند و هم در حالت ضمنی و خفا از حرکتهایی که علیه حکومت انجام می شد حمایت کردند. امام کاظم تلاش می کردند این جریان ها را رهبری کنند و همه این اقدامات موجب شد که ایشان تحت نظر قرار بگیرند و به صورت چندباره و متعدد به زندان بیفتند که آخرین بار آن از سال ۱۷۹ تا ۱۸۳ هجری قمری بود که حدود ۵ سال ایشان در زندان بودند و نهایتاً هم با همین زندان به شهادت رسیدند.